

بررسی اهمیت و جایگاه امامزاده میرقوام الدین شهرستان رشتخوار در بین شیعیان منطقه شرق کشور

حسین میرسعیدی حسین آبادا و راضیه محمدی عبس آبادا ۲

۱دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور، واحد مشهد

۲دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادبیات، دانشگاه پیام نور، واحد مشهد

چکیده

جهان تشیع و امام زادگان آن به عنوان یکی از مولفه‌های موثر در مکتب شکوهمند اسلام، نیازمند شناخت عالمانه است تا بتوان در جهت ارتقاء و انتشار معارف و عقاید حق آن گام‌های موثری برداشت. برای رسیدن به این مهم، شناخت، تجزیه و تحلیل، بررسی و بازشناسی جوامع مذهبی و دینی شکل گرفته در مناطق جغرافیایی گوناگون به همراه نقش امامان یا امامزادگان آن جامعه در رشد تشیع و همچنین گسترش و جذب گردشگر دینی از پیش نیازهای ضروری تاریخ است. خراسان رضوی به جهت وجود بارگاه منور رضوی و امام زادگان بی‌شمار آن در مناطق مختلف این استان جایگاه ویژه‌ای در بین پیروان مکتب تشیع پیدا کرده و به جهت دارا بودن شرایط مناسب جغرافیایی و همچنین علاقه زیاد ساکنان آن به علویان و خاندان رسول خدا، شیعیان و امامزادگان زیادی را در خود جای داده است که از جمله این امامزادگان، امامزاده میرقوام الدین موسوی (ع) است که یکی از پرآوازه‌ترین امامزاده‌های شرق کشور در روستای نوق شهرستان رشتخوار واقع است. با توجه به صاحب کرامات بودن آن بزرگوار، مراسم‌های مختلف مذهبی و دینی در این امام زاده برگزار می‌شود و همچنین به علت داشتن شرایط جغرافیایی مناسب همچون سد شهید حسینی نوق و تفرجگاه و اماکن اقامتی در اطراف امام زاده، از مناطق گردشگری محسوب می‌شود. در این پژوهش که با روش توصیفی و تحلیلی انجام شد، در پی آن هستیم تا به بررسی اهمیت و جایگاه امامزاده میرقوام الدین شهرستان رشتخوار در بین شیعیان منطقه شرق کشور بپردازیم و به سوال زیر پاسخ دهیم: حضور امامزاده میرقوام الدین (ع) چه تاثیری بر گسترش تشیع و فرهنگ دینی در منطقه شرق کشور دارد؟

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که این امام زاده نقش قابل توجهی بر روند شکل‌گیری، هویت بخشی و گسترش فرهنگ شیعی در منطقه و شرق کشور دارد و نقش اساسی، در انسجام بخشی افراد جامعه با یکدیگر از یک سو و با حاکمان از سوی دیگر و ایجاد روحیه استغناء و غیرگریزی، به عنوان شاخص عمده برای امنیت منطقه شمرده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: بارونک، نستعلیق امامزاده، میرقوام الدین، شیعیان، شهرستان رشتخوار.

۱- مقدمه

ایرانیان همواره به پاسداشت امامزادگان عظیم الشان همت گمارده‌اند و مقابر نورانی آنان مورد توجه دوستداران اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار گرفته و کانونی برای گسترش فرهنگ اسلام و تشیع در ایران گردیده است. امامزادگان در طول تاریخ در رشد و گسترش تمدن و هنر اسلامی تأثیر فراوان داشتند (منتظرالقائم، ۱۳۹۹). پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تأکید حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) مبنی بر این که ما می‌خواهیم که مردم در پناه این بقاع متبرکه در آرامش زندگی کنند و تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) مبنی بر قطب فرهنگی شدن امامزادگان و بقاع متبرکه، سازمان اوقاف و امور خیریه در راستای رسالت و وظایف ذاتی خود در زمینه تولید و مدیریت آستان مقدس امامزادگان تلاش‌های وسیعی را بر اساس سیاست‌های کلان فرهنگی نظام مقدس اسلامی در زمینه عمران و آبادانی و رشد و ارتقاء سطح مدیریت و کارکردها و خدمات بقاع متبرکه خصوصاً در عرصه فرهنگی به کار بست علوی علی آبادی، و واسعی، ۱۳۹۷). تا جایی که روز پنجم ذی‌القعده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان روز ملی تکریم و بزرگداشت امامزادگان نامگذاری گردید (امیری نژاد، ۱۳۹۲). امامزادگان در طول تاریخ ایران اسلامی همواره نقش و جایگاه اجتماعی قابل توجهی داشته‌اند. این دسته از مکان‌های زیارتی، از حالت مکان مذهبی صرف خارج شده و کارکردهای منحصر به فردی در قالب فرهنگ بومی هر منطقه پیدا کرده‌اند، به گونه‌ای که شبکه‌ای از رفتارها و آداب دینی در تعاملات زائران با یکدیگر و با مکان ایجاد شده به وجود آمده است (معروفی، ۱۳۹۲).

مرعشی درباره آمدن سادات و امامزادگان به ایران می‌نویسد: «سادات از آوازه ولایت و عهدنامه مامون که بر حضرت امام پناهی داده بود، روی بدین طرف نهادند و او را بیست و یک برادر و بنو اعمام از سادات حسینی و حسنی، به ولایت ری و عراق رسیدند.» (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۷) پس از اقدام مامون در به شهادت رساندن حضرت امام رضا(ع)، سادات به دیلمستان و طبرستان و سپس خراسان پناه بردند. مرعشی در این زمینه می‌نویسد: «... چون سادات خبر غدر مامون که با حضرت رضا(ع) کرد را بشنیدند، پناه به کوهستان و مناطق مختلف بردند و بعضی بدانجا شهید گشتند و مزار و مرقد ایشان مشهور و معروفست و بعضی در همانجا توطن نمودند و اولاد و اتباع ایشان باقیست و چون اصفهبدان مازندران در اوائل که اسلام قبول کردند، شیعه بودند و با اولاد رسول خدا حُسن اعتقاد داشتند؛ سادات را در این ملک مُقام آسان تر بود.» (مرعشی، ۱۳۴۵: ۱۲۷) این مزارهای متبرک در ایران، نمودی از آرمانهای راستین تشیع بود و در حقیقت پشتوانه عظیمی برای معیارها و ارزشهای والای مکتب تشیع محسوب می‌شد، افزون بر اینکه محلی برای زیارت مشتاقان خاندان اهل بیت بود، مدرسه بزرگی نیز برای زائران تلقی می‌گردید که از معرفت امامزادگان و فضایل اخلاقی آن بزرگواران بهره‌مند گردند و از سویی به مظلومیت و حقانیت آنان پی برند که این خود در گسترش مذهب شیعه نیز موثر بود. به بیان دیگر، این آرامگاهها هر کدام به کانونی برای گسترش فرهنگ تشیع تبدیل گشت (حرّ، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

بیان مسأله

نفوذ تشیع در ایران به طور تدریجی رخ داد. تا قرن نهم و تثبیت حکومت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع، امامزادگان و قبور آنان مورد توجه نبود. در این دوره، برای ابراز ارادت و بیان تشیع حاکمان به ساخت بقعه و بنا بر روی قبور سادات و امامزادگان بیشتر توجه شد (مسعودی اصل، فرزین، جوادی، و براتی، ۱۳۹۷). دولت صفوی از آغاز تأسیس، با رسمی کردن تشیع در ایران آن را پشتوانه‌ای برای حمایت از خود قرار داد و با روش‌های مختلف توسل و تمسک مذهبی کوشید خود را بیش از پیش مطرح کند و قلوب شیعیان را به صفویه جلب نماید. بنابراین، با مهم شمردن زیارت قبور ائمه اطهار (ع)، توسعه و آبادانی این اماکن مقدس شیعی، در رأس برنامه‌های مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دولت صفوی قرار گرفت (ابراهیمی، فضا، چشمه سهرابی، و اسلام منش، ۱۳۹۸). بررسی آثار هنری این سده‌ها حاکی از آن است که حاکمان این دوره‌ها، به شیعه و پیشوایان آن محبت داشته‌اند و نقاشی‌ها، کتیبه‌ها، معماری و تزئین مساجد و تزئین مقابر امام و امامزادگان شیعه، بیانگر این امر است. بسیاری از مورخان، عواملی همچون گرایش به اسلام، تشیع و تصوف حاکمان ایلخانی، تیموری و صفوی، نزدیک شدن عالمان و عارفان شیعی به دربار و گرایش عالمان دینی به عرفان را از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری هنر شیعی و عرفانی در

این دوره‌ها می‌دانند. ساختمان‌های مذهبی این دوره از گنبد، ایوان و طاق نما تا سر در ورودی و حتی مناره‌ها با کاشی آراسته شد(ادهمی، ادیسی، و عامری، ۱۳۹۶). خطاطی و خوشنویسی روی کاشی نیز در آرایش بناهای مذهبی عمومیت یافت و بناهای متعددی با خطوط ثلث، نسخ، نستعلیق و خطوط دیگر تزئین شد. در این دوره، از یک سو با تغییر نقش اجتماعی تکایا، جایگاه این ابنیه، از فضایی فردی برای آرامش یا مکانی جهت آسایش و اطعام فقرا و درویش، به فضایی عمومی با قواعد و آداب خاصی تبدیل شد؛ و از سوی دیگر، تحول جایگاه معنایی تکیه‌ها، نقشی نمادین به این بناها داد و باعث شد فضاهای مذهبی چندعملکردی با کاربردهای آموزشی، عبادی، مقابر آرامگاهی، اقامتی و حتی تفریحی، در قالب کالبدهای قدیمی خویش، با معانی تازه در کنار هم قرار گیرند(حاجی خلیفه، ۱۴۳۱).

روش تحقیق:

این تحقیق با شیوه توصیفی و تحلیلی متکی به اسناد وقفی و آثار معماری و منابع تاریخ محلی خراسان و رشتخوار، به عنوان یک انگاره تاریخی مورد مطالعه قرار گرفت. این به معنای تقدس زدایی و نادیده گرفتن منزلت دینی و قدسی مدفونین در این مقابر نیست. به همین سبب در این مقاله درباره نسب امامزادگان به شهرت آنان طبق اسناد تاریخی بسنده شد. محورهای مورد مطالعه در این مقاله عبارتند از:

۱. بررسی نقش و کارکرد تاریخی امامزاده در تحول تاریخی شیعه در شرق کشور براساس مدارک تاریخی و اسناد و مدارک وقفی و معماری امامزاده مر قوام الدین.
۲. بررسی نقش و کارکرد فرهنگی و اجتماعی امامزاده بر روند تاریخ تشیع در منطقه شرق کشور.

تعاریف واژه‌ها:

امامزاده: در عرف تشیع مراد از امامزاده فرزندان یا فرزندان ائمه اطهار(ع) است. در اصلاح به مدفن و مزار متبرکه آنان و بزرگان سادات که در سراسر شهرها و روستاهای ایران پراکنده است، اطلاق می‌گردد(دایره المعارف تشیع، ۹۱۱۵: ۱۱۲/۲). این کلمه از سده ششم به کار می‌رفته است ولی در سده نهم رایج شده است. مقابر امامزادگان در فرهنگ عامه مردم تاثیر داشته است به گونه ایی که گاه نام شهر و روستا از نام مقبره گرفته شده است. در فرهنگ عامه ایرانیان گاهی به جای امامزاده کلمات سید، سلطان، شاه، شاه سلطان، شاهزاده استفاده شده است (نیشابوری، ۹۱۱۵: ۲۲۹). به دلیل اهمیت خاندان رسول الله(ص) مثل خاندان شاهی ایرانی ساسانی نزد ایرانیان داشت. مردم هرچیز بزرگ و مهمتر از نظایر خود را با پیشوند شاه همراه می‌کردند. برخی این عنوان را به امام رضا (شاه خراسان) و یا امامزادگانی مانند احمد بن موسی(شاهچراغ) و شاه عبدالعظیم نیز داده‌اند که بزرگی منزلت و شأن آنها را می‌رساند(صدر حاج سیدجوادی، ۴۴۷: ۱۳۷۳).

مکان دفن امامزاده‌ها را با عناوینی مثل آستانه، عتبه، بقعه، مقبره، مقام، مرقد و مشهد به کار برده‌اند.

تشیع: شیعه بر «کسی که دوستدار علی(ع) و خاندان او باشد، استعمال دارد نام اختصاصی آنان گردیده است»(ابن منظور، ۱۴۰۹: ۲۵۸/۷) شیعه به معنای «آن گروه از دوستداران علی(ع) که او را بر دیگر اصحاب پیامبر برتری داده‌اند، شیعه نام برده شده‌اند» (ابوالحسن الاشعری، ۱۳: ۱۳۶۲). «پس از رحلت پیامبر گروهی شیعه نامیده شدند و ایشان هواخواه علی بودند که پیروی از وی را شیوه خود ساخته و به کس دیگر نگرودند» (نوبختی، ۴: ۱۳۶۱). تفاوت‌های کلامی و اصول اعتقادی در تمایز میان تشیع و تسنن نقش فرعی دارند. تشیع تا آنجا یک مذهب به‌شمار می‌رود کهپ پروانش یک رهبر معین را می‌پذیرند ولی یک عقیده دینی جداگانه نیست(Heinz, 2004: 2). شیعه فرقه‌های مختلفی دارد که معروفترین آن، شیعیان زیدی، اسماعیلی و اثنی عشری(دوازده امامی) می‌باشند(صدر حاج سیدجوادی، ۲۷۱: ۱۳۷۳).

مبانی نظری

یکی از دلایل عمده نفوذ تشیع در ایران، مهاجرت و ورود سادات و شیعیان به این منطقه است. ایران به دلیل این که دور از دسترس حکومت‌هایی بود که مرکز آنها در شام و یا عراق قرار داشت، مکان امنی برای اسکان شیعیان و تبلیغ عقاید آنان بود و بدین ترتیب قسمت‌های مختلفی از ایران پذیرای شیعیان شد(مستعم، ۱۴۰۰/۱۰/۱۳). دامنه این مهاجرت‌ها به تدریج به مناطق مرکزی و شرق ایران نیز کشیده شد. یکی از مناطق مهاجرپذیر شرق ایران، شهر رشتخوار بود که در گسترش فرهنگ

تشیع و سابقه مذهبی و تاریخی خود لقب پر افتخار دارالارشاد و دارالامان را یدک می‌کشد و حدود ۷ باب امام زاده و بقاع متبرکه را در خود جای داده است و امروزه مهد امامزادگان زیادی از جمله امامزاده میرقوام الدین، است که در کنار این زیارتگاه، سنگی بزرگ به طول دو متر به چشم می‌خورد که توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. بر روی این سنگ نوشته‌هایی از جمله تاریخ این مکان حک شده که قدمت این بنا را به دوران صفویه می‌رساند. در حاشیه مزار این امام زاده مزار امام زاده شیخ عبدال که هنوز شجره نامه‌ای برای آن مشخص نشده به چشم می‌خورد. در کتاب گذرگاه تاریخ خراسان، به نقل از کتاب بحر الانساب ابن عتبه احمد بن علی بن الحسین الحسنی نوشته شده است از فرزندان صالح امام موسی کاظم علیه السلام ۵ نفر به اسامی حمزه، قدرالدین، قوام الدین، بدرالدین و صدرالدین از بغداد روی به این ولایت نهادند و چون به این شهر رسیدند، متفرق شدند. هدف آنان تفسیر احکام اسلام و ارشاد مردم بود و به همین خاطر به شهرستان رشتخوار عزیمت کردند. به نوشته این منبع، قوام الدین در محل فعلی شهرستان رشتخوار درگذشت و در روستای نوق فعلی که آن زمان از آبادی‌های مهم محسوب می‌شد به خاک سپرده شد.

امام زاده فاضل

امام زاده فاضل در روستای تاریخی فاضلمند از توابع بخش جنگل شهرستان رشتخوار قرار دارد. بر خلاف معمول روی سنگ قبر هیچ نوشته‌ای درباره تاریخ ولادت و وفات شخص آرمیده در این مکان دیده نمی‌شود، اما بر اساس اقوال و روایات، فاضل از نوادگان حضرت امام موسی کاظم (ع) است. اطراف این بنا محوطه نسبتاً بزرگی که شامل باغچه‌های سبز و درختان می‌باشد، به چشم می‌خورد. اعتقادات قلبی مردم منطقه به خاندان عصمت و طهارت (ع) باعث شده که آنان روزهای پنجشنبه و نیز به مناسبت‌های مختلف آیین‌های روضه خوانی و سفره‌های اطعام در این امام زاده برپا کنند. به گفته منابع محلی وی از نوادگان امام موسی کاظم (ع) بوده و همراه امام هشتم (ع) از طریق مرز عراق وارد ایران شده است.

پیر یاهو

در ۲۰ کیلومتری شرق شهرستان رشتخوار در روستای سعادت آباد مزاری به نام پیر یاهو واقع است. به اعتقاد مردم منطقه وی یکی از عرفا و موحدان بزرگ در زمان خویش بوده است. به گفته منابع محلی این عارف به هنگام مرگ توسط حضرت موسی (ع) غسل داده و به خاک سپرده شده است. مزار این عارف یکی از جاذبه‌های گردشگری مهم شهرستان رشتخوار است و هر روز پذیرای صدها نفر از مشتاقان می‌باشد. مزار پیر یاهو از سالکان طریقت و تصوف در بلندترین نقطه کوه و نزدیک به چشمه‌های آب گرم قرار دارد. این منطقه دارای چشمه آب گرم و آبشاری زیبا و دل انگیز می‌باشد که علاوه بر لذت زیارت، مشتاقان حضور در این مکان را از زیبایی‌های طبیعت بهره‌مند می‌سازد. تفرجگاه گرماب دارای درختان پسته کوهی- زرشک- چنار کوهستان- بلوط و گذرگاه‌های پرپیچ و خم در دل نهرهای آب زلال و گواراست.

امام زاده دو برادران احمدآباد

امام زاده دو برادران در روستای بزرگ احمدآباد آستانه در ۳۵ کیلومتر مرکز شهرستان واقع است. به نوشته دکتر لطف اله مفخم در فرهنگ آبادی‌های خراسان رضوی امام زاده دو برادر به نام حسن بن الحسن و احمد بن الحسن از نوادگان موسی بن جعفر (ع) است. این امام زاده‌ها به فاصله ۸۰ متر از یکدیگر دفن هستند.

آرامگاه شاه سنجان

در ۲۵ کیلومتری جاده آسفالت رشتخوار در روستای سنگان رشتخوار بقاع مسجد و مزار رکن الدین محمود سنجانی در سال ۵۹۳ هجری قمری جلب نظر می‌کند. وی از اولیا و رهبران مسلک عرفان در سده ششم هجری است. مجموعه معماری بر جای مانده مشتمل بر دو بناست که در ضلع شرقی مسجد و در ضلع غربی مزار شاه سنجان قرار دارد (روزنامه خراسان، ۱۳۸۹). بنابراین به نظر می‌رسد اگر چه مقبره امامزاده میرقوام الدین پیوسته پس از دوره اموی از احترام و اعتبار خاصی نزد مردم برخوردار بود اما با رسیدن به دوره صفویان و حمایت این حکومت از مظاهر و نمودهای شیعی و توجه خاص آنها به امامزاده‌ها، امامزاده میرقوام الدین نیز مورد توجه خاص سلاطین صفویه قرار گرفت. بدین ترتیب اعتبار و اهمیت این امامزاده دو چندان شد و از حالت مقبره‌ای کوچک به امامزاده‌ای مطرح مبدل شد. از شواهد به نظر می‌رسد که این بنا در زمان صفویان ساخته

شده است اما تزئینات کلی و کاشی کاری گنبد در دوران حکومت شاه سلیمان صفوی در سال ۱۰۹۷ هـ ق که مرمت‌هایی در آن انجام گرفت، ساخته شده است. قسمت اول کتیبه‌ای که در مقبره کنده شده بود، با گذر زمان از میان رفته ولی قسمت آخر آن چنین است (مهدوی، ۶۳: ۱۳۴۵).

بیوگرافی امامزاده میر قوام الدین(ع)

تشکیل سلسله اموی و بالا گرفتن ستم نژادی آنان، سرآغاز سلسله‌ای از مهاجرت سادات به سرزمین‌های دور از دسترس دستگاه خلافت بود. این جریان، بعدها در دوره عباسیان نیز همچنان استمرار یافت. ورود سادات مهاجر، تأثیرات عمیقی بر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناطق پذیرای آنها گذاشت. امام موسی کاظم (ع) سی و هفت فرزند داشت و امام رضا(ع)، عباس، ابراهیم و قاسم از جمله فرزندان این امام و از یک مادر هستند که مادرشان امّ ولد (کنیز) بود (مجلسی، ۱۳۶۳: ۴۸/۳۰۳-۲۸۳؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲/۲۴۴؛ فخر رازی، ۱۴۱۹: ۹۰؛ ابن صوفی، ۱۴۰۹: ۱۰۷؛ ابن حزم اندلسی، ۱۴۱۸: ۶۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۴/۳۲۴؛ طبرسی، ۱۴۲۲: ۹۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۲/۳۶؛ اسکافی، ۱۴۲۲: ۷۶؛ شامی، ۱۴۲۰: ۷۳؛ عماد طبری، ۱۳۷۹: ۲/۷۳۳؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ۱۴/۲۷۰). شیخ طوسی در رجالش او را از اصحاب پدر بزرگوارش امام موسی کاظم(ع) برشمرده و قائل به وثاقتش شده است (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۵۳). اما مامقانی در تنقیح المقال می‌نویسد که این مطلب را در دو نسخه معتمد در رجال شیخ نیافتیم. (مامقانی، ۱۳۴۱: ۲/۱۳۰؛ شوشتری، ۱۳۷۵: ۶/۴۲؛ قهپانی اصفهانی، ۱۳۸۴: ۳/۲۵۳) عباس بن موسی(ع) از روایان حدیث است که از پدر گرانقدرش روایت لباس نمازگزار را نقل می‌کند و در کتاب‌های روایی به آن اشاره شده است (حرّ عاملی، بی‌تا: ۳/۲۶۷؛ محدث نوری، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۷؛ برقی، ۱۳۲۷: ۲/۴۲؛ قرشی، ۱۴۱۳: ۲/۴۲۴) با این وصف، علمای رجال به سبب روایت ذیل او را ذم و قدح کرده اند(شاهرودی، آدینه، ۱۳۹۷). برخی منابع نقل می‌کنند که عباس(ع) به سبب بدهکاری و مسائل مالی در ماجرای گشایش وصیتنامه پدرش نسب به برادرش امام رضا(ع) نزد قاضی مدینه ابو عمران طلحی شکایت کرد و دچار لغزش و تعرض نسبت به امام رضا(ع) شد که نمایانگر کمی معرفت وی به امام(ع) است. با وجود این، حضرت رضا(ع) برادرش را نصیحت کرد و به او ابراز علاقه و احسان کرد. (کلینی، ۱۳۶۲: ۱/۳۱۹-۳۱۷؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ۱/۳۴؛ معروف الحسنی، ۱۳۸۲: ۳/۳۵۰؛ عطاردی، بی‌تا: ۱/۱۴۰؛ شوشتری، ۱۳۷۵: ۶: ۴۰-۴۱؛ مجلسی: ۱۳۶۳: ۴۸: ۲۸۰؛ نجفی، ۱۴۰۹: ۱/۳۵۸-۳۶۳؛ قمی، ۱۳۷۶: ۲/۱۵۶) تستری در قاموس الرجال پس از نقل روایت فوق می‌نویسد: «و بعد هذا الخبر المشتمل علی غایه القدح فیه، لابد أن یحمل قول المفید فی ارشاد، و لکلّ و احد من ولد أبی الحسن موسی، فضل و منقبه مشهوره، علی الفضائل الدّیویّه، و أمّا الدّینیّه فالرجال کان عاریا منها و متلبّسا بکلّ الرذائل و المثالب منها». (شوشتری، ۱۳۷۵: ۶/۴۲)

بعد از این خبری که در بردارنده نهایت خرده گیری از اوست، به ناچار باید آن را بر گفتار شیخ مفید که می‌گوید: برای هر یک از فرزندان ابوالحسن موسی(ع) فضل و منقبتی است، به فضایل دنیوی حمل کنیم، زیرا عباس بن موسی(ع) در امور دینی و معنوی از آن تهی بوده و در بردارنده بدیها و پستی هاست. مامقانی در تنقیح المقال نیز می‌گوید: «اگر چه شیخ طوسی او را توثیق نموده است اما با وجود روایت فوق، وثاقت او، محل نظر است، زیرا منازعه او با برادرش امام رضا(ع) و گفتار تند او با آن حضرت، وی را از وثاقت و عدالت خارج می‌کند، مگر اینکه ثابت شود او توبه کرده و امام نیز توبه او را پذیرفته باشند» (مامقانی، ۱۳۴۱: ۲/۱۳۰). اما در برخی منابع دیگر خبری نقل شد که حاکی از وثاقت و عدالت عباس بن موسی(ع) است. گزارش شد «حمید بن عبد الحمید که فرماندار قصر بن هبیره از طرف حسن بن سهل سرخسی وزیر مامون عباسی بود، عباس بن موسی(ع) را عامل خود در کوفه قرار داد و به او دستور داد تا برای برادرش امام رضا(ع) از مردم بیعت به عمل آورد و این در سال ۲۰۲ هـ ق بوده است». (طبری، ۱۳۸۷: ۸/۵۵۹-۵۶۰؛ قرشی، ۱۳۸۰: ۲/۳۱۰؛ براقی، بی‌تا: ۲۳۴؛ حرزالدین، ۱۳۹۱: ۲/۱۸۹)

بنابراین معلوم می‌شود بر خلاف نظر مامقانی و تستری هیچ ذمی متوجه عباس بن موسی(ع) نبوده و خبر کلینی در کافی و شیخ صدوق در عیون و دیگر مورخان درباره نزاع وی با امام رضا(ع) نیز در غایت ضعف است. از این رو باید گفت: عباس بن موسی کاظم(ع) ثقه بوده است و از اصحاب پدر و برادر گرانقدرش امام رضا(ع) به حساب می‌آید و حمله مامقانی و به خصوص تستری به او، تنها از روایت منقول کلینی و صدوق نشأت گرفته است. عباس، همچنان در ثقات اصحاب پدر و برادرش به شمار

می‌آید. به هر حال، از تاریخ درگذشت یا شهادت عباس بن موسی (ع) در منابع تاریخی اطلاع دقیقی در دست نیست. تنها همین قدر می‌دانیم که وی تا قبل از سال ۲۰۳ هـ ق در قید حیات بوده است (شبه‌ستری، بی‌تا: ۱/ ۳۴۵؛ براقی، بی‌تا: ۲۳۴) و سید حسین حرّ می‌نویسد: «پس از اقدام مامون در به شهادت رساندن امام رضا(ع) جمعی از برادران و علویان به فرماندهی یک سپاه سه هزار نفری از علویان و شیعیان آنان، به منظور خونخواهی امام و قیام علیه مامون عباسی به جانب ایران سرازیر شدند. مامون نیز نامه‌ای به اطراف فرستاد مبنی بر اینکه علویان را مورد آزار و ستم قرار دهند. بنابراین عده‌ای از آنها به دستور مامون شهید یا مسموم شدند» (حرّ، ۱۳۸۳: ۱۴۷) اما بنا به روایت شفاهی، احمد بن موسی (ع) معروف به شاه چراغ در بغداد مسکن داشت چون خبر شهادت برادرش امام رضا را شنید در سال ۲۰۳ هـ ق از بغداد به قصد خون خواهی و انتقام برادر بزرگوارش حضرت رضا خارج شد که ۳۰۰۰ نفر از غلامان، بستگان و دودمان، آن حضرت را همراهی می‌کردند که آن حضرت به همراهی آن بزرگواران از جمله عباس بن موسی به جانب طوس روانه شدند. وقتی که به نزدیکی شهر قم رسیدند، ارزق الابرج الشامی (از جانب مامون حکمران و مامور در قم بود) از لشکرکشی برادران امام رضا(ع) باخبر شد و در تدارک نیرو و لشکر برای جنگ با علویان از قم بیرون آمد. در طی زد و خورد، جمع کثیری از سادات هاشمی و فاطمی شهید شدند. احمد بن موسی بعد از جنگ و کارزار از قم حرکت کرد تا به شهر ری نزدیک شد. در این هنگام جمعی از لشکریان آن حضرت، ایشان را ترک کردند و حتی با حضرت به جنگ و منازعه در آمدند؛ باز حضرت سفر خود را به سوی خراسان ادامه داد و از شهر ری بیرون آمدند تا به نزدیکی خراسان رسیدند و در میان دو کوه موقتاً مسکن گزیدند و بعد از استراحت به دیگر نقاط خراسان حرکت کردند. مامون بعد از آگاهی از ورود علویان و برادران امام رضا(ع) به خراسان، لشکری را برای جنگ با آنان فرستاد. جنگ سختی شروع شد و بعد از کشته شدن افرادی از دو طرف، سادات و علویان مجبور به عقب نشینی می‌شوند و در کوه‌ها، دشته‌ها و جنگل‌ها پناه می‌گیرند و خود احمد بن موسی را نیز تا شهر شیراز تعقیب می‌کنند و به شهادت می‌رسانند و بعضی نیز در خراسان به ویژه در کوه‌ها و مناطق دور در منازل مردم مدتی زندگی می‌کنند که سرانجام توسط ماموران مخفی مامون دستگیر می‌شوند و به شهادت رسند. (خانی مقدم، زاهدی، ۱۳۹۴). در این میان امامزاده سید میر قوام الدین از نوادگان امام موسی ابن جعفر (ع) می‌باشد که در ۱۸ کیلومتری شمال رشتخوار و در ۵۰۰ متری شمال روستای نوق واقع شده است. سبک معماری امامزاده حاکی از این است که این بنا در قرن نهم هجری (۸۲۰ هـ ق) بنیان گردیده و در دوره‌های پس از آن مرمت و بازسازی شده است. امامزاده دارای حرم باشکوه و میعادگاه بهار و تابستان مسافران و زائرانی از سراسر ایران است، علاوه بر آن در طول سال برنامه‌های متنوع فرهنگی، قرآنی و مذهبی در این مکان مذهبی برگزار می‌گردد. در بقعه امامزاده میر قوام الدین (ع) با احتساب شبستان ورودی تعداد دو شبستان وجود دارد که این سالن توسط خیران و مساعدت اداره اوقاف و از محل نذورات خود امامزاده ساخته شده که برای مراسم مذهبی و سفره‌های نذری، در طول سال مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای رفاه حال بیشتر زائران، امکانات و تجهیزاتی از جمله آشپزخانه، زائرسرا، سالن، سرویس‌های بهداشتی و مسجد در این بقعه ساخته شده که تا حدودی نیازهای آنان را برآورده می‌سازد.

علمای انساب جملگی قایل به تداوم نسل میر قوام الدین هستند. (زین العابدین، ۱۴۲۲: ۸۴؛ قمی، ۱۳۷۹: ۱۱۲/۳؛ کیاء گیلانی، ۱۴۰۹: ۳۷؛ ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۱۷۹) اما ماموران حکومت زن و فرزندان آن امامزاده را دستگیر نموده و به شهادت رساندند که قبر آنان در کنار قبر پدر در امام زاده قرار دارد (ابن عنبه، ۱۴۱۷: ۲۱۰؛ عبیدلی، ۱۴۱۳: ۴۶۷؛ ابن صوفی، ۱۴۰۹: ۳۰۹)

علی رغم اهمیت این بنا در دوره صفوی، در مورد وضعیت و کارکرد این بنا در این دوره، اطلاعات بسیار اندکی از خلال منابع این دوره به دست می‌آید. اما یکی از کارکردهای عمده آن در دوران‌های مختلف وجود خانقاهی در این مکان که به اعتبار و افتخار این امامزاده برپا شده است، می‌باشد که افراد بی‌بضاعت می‌توانستند شبانه در آن بیتوته کنند و با استفاده از این مکان به استراحت و اسایش در ایام مختلف سال بپردازند (شاردن، ۱۳۴۹: ۳۳۴).

از دیگر کارکردهای این امامزاده، وجود قبرستان وسیعی در جوار آن بود. در واقع، در فرهنگ تشیع یکی از طرق اثبات ارادت خالصانه بزرگان و عامه مردم نسبت به ائمه اطهار (ع)، وصیت دفن اجسادشان در کنار قبور ائمه و فرزندان ایشان بود. بنا براین

رسم علما و بزرگانی که فوت می‌کردند بنا بر وصیتشان و یا به منظور بزرگداشت ایشان، در اطراف امامزاده‌ها و مکان‌های مقدس دفن می‌شدند. بنا به گفته تاورنیه، این مسئله در دوره صفویه به ویژه در میان بزرگان و ثروتمندان معمول بوده (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۳۲۱). اطراف امامزاده میرقوام الدین نیز قبور بسیاری از اهالی روستای نوق و روستاهای اطراف وجود دارد که برخی از آنان متعلق به دوره صفوی هستند.

نتیجه گیری

بقاع متبرکه و مزار امام زاده‌ها مکان‌هایی مناسب برای ترویج فرهنگ و معارف اسلامی هستند و بسیاری از انسان‌های دل شکسته و دردمند با قرار گرفتن در فضای عطرآگین این اماکن و دعا به درگاه حضرت حق آرامش معنوی وصف ناپذیری می‌یابند و چه بسا مشکلاتشان برطرف می‌شود. در طول تاریخ و به ویژه پس از این که ایران دین مبین اسلام را پذیرفت امام زاده‌هایی که منتسب به خاندان نبوی(ص) هستند به سوی کشورمان آمدند و به عنوان دانشمندان دینی به راهنمایی و هدایت مردم پرداختند. فرزندان و نواده‌گان امامان شیعه برای به دست آوردن امنیت و موقعیت اجتماعی و تبلیغی به ایران مهاجرت کردند و به مرور زمان بر تعدادشان افزوده گشت. ایرانیان آنان را به سبب انتساب به رسول الله(ص) با اشتیاق پناه دادند. منزلت اجتماعی امامزاده‌ها نه تنها به دلیل انتساب به آن حضرت و سفارش قرآن به دوستی اهل بیت بود بلکه کارکرد علمی و فرهنگی آنان در ایران و در اختیار داشتن مقامات اجتماعی مثل شیخ الاسلام، نقابت، وزارت و دبیری، اداره دارالسیاده و متولی قبور عرفا و امامزادگان و موقوفات آنها بر منزلت آنها افزود. ایرانیان پس از فوت یا قتل یکی از امامزادگان، آرامگاهی بر سر مزارشان می‌ساختند و به زیارت آن می‌رفتند. ایرانیان با ساخت امامزاده و تربیت آن به اقسام هنرها، عشق و محبت خود را نسبت به خاندان رسول الله(ص) ابراز کردند. این مقابر کارکردهای اجتماعی، علمی و فرهنگی و اقتصادی بر انگاره تاریخی تشیع در ایران پیش از صفوی داشتند و عاملی برای گسترش عقیده اسلامی و دوستی اهل بیت و تشیع بودند. امامزاده میر قوام الدین روستای نوق در شهرستان رشتخوار و در شرق کشور یکی از امام زادگان معروفی است که توانسته این کارکردها را به خوبی ایفا نماید. علاوه بر آن وجود مکان‌های تفریحی در این روستا و سد شهید حسینی و باغات سرسبز در فصول بهار و تابستان بر این غنای فرهنگی و معنوی افزوده است. به گونه‌ای که امروزه این مکان مقدس مبدأ حضور بسیاری از ساکنان شهرستان رشتخوار و استان خراسان رضوی بوده و توانسته است خدمات قابل توجهی را در حوزه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی ایفا نماید و بسیاری از برنامه‌های اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان در طول سال و مناسبت‌های مختلف در این مکان مقدس برگزار می‌شود و اهالی روستا و بسیاری از مردم به این امام زاده اعتقاد وافر دارند به گونه‌ای که بسیاری از اموات در اطراف این امامزاده دفن می‌شوند و برنامه‌های قرآنی و نماز جمعه و جماعات و بسیاری از مراسمات مذهبی در این امامزاده برگزار می‌شوند. همچنین وجود زائر سرا و شبستان در امامزاده باعث شده که بسیاری از زائرانی که از مناطق مختلف کشور به این امامزاده سفر می‌کنند بتوانند ساعات زیادی را به صورت رایگان در این مکان‌ها سپری نموده و به استراحت و آرامش بپردازند.

منابع:

- ابراهیمی، فضا، چشمه سهرابی، مظفر، و اسلام منش، مهدیه. (۱۳۹۸). ارزیابی وب سایت‌های امامزادگان ایران بر اساس شاخص‌های وب سنجی. فرهنگ رضوی، ۷(۱) (پیاپی ۲۵)، ۴۱-۵۸. SID. <https://sid.ir/paper/253746/fa>
- ادهمی، عبدالرضا، ادیسی، افسانه، و عامری، مهدی. (۱۳۹۶). نقش اجتماعی اماکن مذهبی در جامعه؛ مورد مطالعه: زیارتگاه‌های حرم عبدالعظیم و امامزاده صالح در شهر تهران. مدیریت شهری، ۱۶(۴۹)، ۲۹۷-۳۰۸. SID. <https://sid.ir/paper/92211/fa>
- آل داوود سید علی(۱۳۷۲). «شیخ ابواسحاق اینجو»، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسالمی، جلد پنجم، شماره ۱۹۴۴. ۱۹۴۴.
- خانی مقدم، مهیار، و زاهدی، عبدالرضا. (۱۳۹۴). تبیین نظریه مهاجرت امام رضا (ع) و امامزادگان (ع) در راستای سنت الهی استبدال. فرهنگ رضوی، ۳(۱۰)، ۴۳-۷۳. SID. <https://sid.ir/paper/253802/fa>
- رحمان پور، حسن(۱۳۹۵) جغرافیای تاریخی و گردشگری شهرستان رشتخوار، انتشارات مینوفر، مشهد مقدس.
- روزنامه خراسان(۱۳۸۹). آشنایی با امامزادگان معروف خراسان رضوی

- شاهرودی، سمانه، و آدینه، روح اله. (۱۳۹۷). بررسی و شناخت ابعاد شخصیتی احمدبن موسی الکاظم شاه چراغ(ع). رهیافت فرهنگ دینی، (۱)، ۳۳-۴۷. SID. <https://sid.ir/paper/520812/fa>
- علوی علی آبادی، فاطمه سادات، و واسعی، سیدعلیرضا. (۱۳۹۷). کارکرد «امنیت بخشی» امامزادگان در ایران. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۹(۳۱)، ۲۵-۴۶. SID. <https://sid.ir/paper/225057/fa>
- مستمع، رضا. (۱۳۱۰/۱۴۰۰). اظهارنظر کارشناسی درباره: طرح منع تصرف، تخریب و تغییر کاربری بقاع متبرکه. تهران، ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://sid.ir/paper/1047755/fa>
- مسعودی اصل، بهزاد، فرزین، احمدعلی، جوادی، شهره، و براتی، ناصر. (۱۳۹۷). مبانی معماری مقابر امامزادگان در ایران. باغ نظر، ۱۵(۶۴)، ۵-۱۴. SID. <https://sid.ir/paper/125670/fa>
- منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۹۹). بررسی نقش و کارکرد امامزاده‌ها در تحول تاریخی شیعه در ایران پیش از صفویه با تاکید بر امامزاده‌های شیراز و یزد. پژوهش‌های علوم تاریخی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران)، ۱۲(۴)، ۱۵۰-۱۲۹. SID. <https://sid.ir/paper/963315/fa>